

توسعه و همزاد شرتش: تحلیل وضعیتی کارآفرینی روستایی در منطقه سیستان

حسن شهرکی^{۱*} و ولی الله سارانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۹

چکیده:

این مقاله نخستین تلاش عملی و علمی کاربست تحلیل وضعیتی به عنوان یک روش شناسی جدید، در پژوهش پیرامون پدیده کارآفرینی روستایی است که این روزها در ادبیات و سیاست گذاری کشور مورد توجه قرار گرفته است. پس از ارائه مقدماتی درخصوص نسبت میان توسعه، کارآفرینی، و گفتمان، و نیز در رابطه با اقتصاد سیاسی کارآفرینی، تحلیل وضعیتی در مطالعه با ترسیم دو نقشه وضعیتی و اقلیم اجتماعی پیش می رود. نمونه گیری به شیوه کارتوگرافیک صورت پذیرفته که مشتمل است بر ۲۰ کارآفرین روستایی، سه سند، و سه تارنمای اینترنتی. مصاحبه ها به شیوه نیمه ساخت یافته انجام شده و نقشه اقلیم که مبنای تحلیل گفتمان می باشد، بر پایه روش کدگذاری متن های مصاحبه و ترسیم جدول هم پیداری و شجره ها در نرم افزار اطلس تی ترسیم شده است. از نظریه گفتمان لاکلو و موفه در بطن تحلیل وضعیتی و به منظور انجام تحلیل گفتمان استفاده شده است. براین اساس، مطالعه، سه گفتمان تحت عناوین «گفتمان دولتی کارآفرینی روستایی»، «گفتمان نظام کارآفرینی روستایی و ایجاد شغل»، و «گفتمان معناسازی برای کارآفرینی روستایی» تشخیص داده که هر کدام به درجاتی با گفتمان های رقیب مواجه هستند که پیرامون دال های خالی آنها شکل می گیرند. در نهایت، مطالعه بر این باور است که کارآفرینی روستایی در منطقه سیستان در خوش بینانه ترین حالت، نوعی کارآفرینی روستایی سرمایه دارانه ناقص و بی فرجام، و در بدبینانه ترین شکل خود، مانعی بر سر راه توسعه روستایی در سیستان است.

واژگان کلیدی: تحلیل وضعیتی، توسعه روستایی، کارآفرینی روستایی، گفتمان، سیستان.

۱. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه زابل (نویسنده مسئول). arm.shahraki@gmail.com

۲. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه زابل. vsarani@gmail.com

Journal of Community Development

(Rural and Urban Communities)

Volume 11, Issue 1 - Serial Number 20, Spring and Summer 2019

Development and its Evil Twin: The Situational Analysis of Rural Entrepreneurship in Sistan Region

Hassan Shahraki*¹ & Valiollah Sarani²

Received: March 3, 2019

Accepted: November 20, 2019

Abstract

This is the first endeavor for applying the Situational Analysis (SA) as a recent methodology in a scientific inquiry about the rural entrepreneurship, a current development and policymaking strategy through the country. After presenting an introductory discussion related to the development, entrepreneurship, discourse, and also about the political economy of entrepreneurship, the situational analysis continues through designing the two (messy and ordered) situational and social arena maps. The paper gains from a cartographic sampling method that is based on two above-mentioned maps. Twenty rural entrepreneurs in Sistan region, three formal documents, and three websites of rural organizations have been selected for setting the semi-structured and post-modern-informed interviews. The social arena map that is the backbone of this study has been designed draw on the open coding of the transcripts, extracting the co-occurrence table, and the families via ATLAS.ti software. Laclau and Mouffe's discourse theory has been used through the situational analysis and its corresponding discourse analysis. According to the findings, there are three distinct rural entrepreneurship discourses of "the governmental rural entrepreneurship discourse", "the rural entrepreneurship system and job-making discourse", and "sense-making rural discourse" within the overall rural entrepreneurship discourse in Sistan. These entire three discourses encounter with the specific counterpart discourses that will be articulated around the empty signifiers. Finally, the study believes that with an optimistic view, the rural entrepreneurship discourse in Sistan is little more than a semi-capitalist development strategy, and through a pessimistic way of seeing, is just an obstacle of rural development process.

Keywords: Rural Development, Rural Entrepreneurship, Discourse, Situational Analysis, Sistan Province.

1. Assistant professor in Department of agriculture education and extension of University of Zabol: arm.shahraki@gmail.com

2. Assistant professor in Department of agriculture education and extension of University of Zabol: vsarani@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

کارآفرینی چه در علمی که ریشه‌هایش بدان بازمی‌گردد یعنی اقتصاد و چه در علمی همچون انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، و توسعه، به مجادلات پرشوری دامن‌زده که می‌توان آن را به یک دوقطبی نظری تعبیر کرد. از سویی هواداران ثابت‌قدم کارآفرینی هستند که به نسبت‌های معنادار کارآفرینی با رشد اقتصادی و توسعه اشاره دارند (وسلا و وسلا^۱، ۲۰۱۰: ۲۱-۲۲؛ هوتن^۲، ۲۰۱۲: ۵۴۹-۵۵۱؛ داگستد و همکاران^۳، ۲۰۰۶: ۶۷؛ مک‌الوی، ۲۰۰۵: ۱۹؛ آدرچ^۴، ۲۰۰۳: ۲)؛ از دیگر سو، در پژوهش‌های متعددی (آگبر، ۲۰۰۰: ۶۱۱-۶۰۵؛ کپ^۵، ۲۰۰۳: ۱۶۸-۱۶۳؛ برگلند^۶، ۲۰۰۷: ۷۵-۹۳؛ اقتباس از جنینگز و همکاران^۷، ۲۰۰۵: ۱۴۵-۱۴۸؛ گاس^۸، ۲۰۰۵: ۲۰۸-۲۰۵؛ بیل و همکاران^۹، ۲۰۱۰: ۱۴-۱؛ شهرکی و همکاران، ۲۰۱۶: ۴۱۴-۴۰۶؛ شهرکی و موحدی، ۲۰۱۷: ۸۴-۸۱) با نگاهی گفتمانی به کارآفرینی، این پدیده از چشم‌اندازهای جامعه‌شناختی، و انسان‌شناختی مورد نقد قرار گرفته است.

امروزه متأثر از گزارش‌ها و پروژه‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی^{۱۰}، ارتباط کارآفرینی با رشد و توسعه یک امر بدیهی پنداشته شده و حتی ذکر نام پژوهش‌هایی داخلی و خارجی که به تعریف و تمجید از کارآفرینی پرداخته‌اند، کار را به درازا می‌کشاند. از مجموع ۱/۵ میلیارد دلار اعتبار از محل صندوق توسعه ملی برای توسعه روستایی و ایجاد اشتغال در نواحی روستایی در شهریور ۱۳۹۷ حدود ۶۰۰ میلیارد تومان سهم استان سیستان و بلوچستان بوده است^{۱۱}. با درنظرداشت اختصاص این حجم زیاد اعتبارات، فقر پژوهش‌های کیفی و انتقادی درخصوص کارآفرینی (روستایی)، و نیز شاخص‌های توسعه‌ای پایین در منطقه سیستان، ضرورت انجام مطالعات کیفی در این حیطه، دوچندان است. در این پژوهش، پس از تشریح تاریخچه‌ای از کارآفرینی و توسعه، این دو پدیده، بر زمینه جغرافیای سیستان مورد تحلیل گفتمانی قرار گرفته‌اند. هدف این است که دریابیم سیاست‌گذاری‌ها، کنشگران، گفتمان و

1 Vesala and Vesala

2 Huttunen

3 Daugstad et al

4 Audretsch

5 Cope

6 Berglund

7 Jennings et al

8 Goss

9 Bill et al

10 Global Entrepreneurship Monitoring (GEM)

۱۱ این مبلغ در جلسه‌ی معاونت سرمایه‌گذاری استانداری سیستان و بلوچستان که نگارنده مقاله نیز حضور داشت؛ از سوی مدیرکل دفتر

جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری استان، مطرح شد.

روابط قدرتی که در امتزاج با یکدیگر «وضعیت پهناور پژوهش» را تشکیل می‌دهند کدام هستند؟ چه نسبتی با یکدیگر داشته و چه اهدافی را با چه پیامدهایی دنبال می‌کنند؟ مدعای اصلی مقاله این است که نسبت میان کارآفرینی و توسعه بی‌شبهت به نسبت میان انسان‌شناسی و توسعه نبوده و به قول فرگوسن^۱ (۲۰۰۵: ۱۵۵-۱۴۰) این دو همزاد شرک یکدیگرند یا زوجی هستند نآسوده (گاردنر و لويس^۲، ۱۹۹۶: ۲۵-۲۰). پرسشی که سعی شده در این پژوهش پاسخ یابد این است که وضعیت کارآفرینی روستایی چگونه است؟ آیا پویایی‌های درونی کارآفرینی روستایی دست‌کم در منطقه سیستان، به گونه‌ای است که راه را برای نفوذ ارزش‌ها و گفتمان‌های سرمایه‌داری به نظام اقتصادی منطقه هموار ساخته است؛ اگر آری، چرا و چگونه؟ راه حل چیست؟ نسبت میان کارآفرینی روستایی و توسعه روستایی چگونه باید بازتعریف شود؟

کارآفرینی همچون یک گفتمان

از حدود سال ۱۹۸۰ تاکنون، دوره چندرشته‌ای کارآفرینی حاکم بوده که واجد ویژگی‌هایی همچون اهمیت ارزش‌های اجتماعی، مطالعات جامعه‌شناختی و فرصت‌های کارآفرینانه همچون برساخت‌های اجتماعی^۳ است. در میان تعاریف متعدد از این پدیده، شاید بتوان گفت که مناسب‌ترین تعریف که بازتابنده خصلت فرایندی بودن کارآفرینی، و اهمیت مفهوم فرصت در فرایند کارآفرینی بوده، و هم بر محیط‌های روستایی و هم شهری قابل اطلاق است؛ این فرایند را مشتمل بر کشف فرصت، ارزش‌یابی فرصت، و بهره‌برداری از فرصت می‌داند (ونکاترامن و شین^۴، ۲۰۰۰: ۲۱۸). گفتمان از نظر میشل فوکو^۵ عبارت است از مجموعه‌ای هم‌پوشان از اصول عمیق دخیل در شبکه‌ای از معانی که روابط میان هرآنچه می‌بینیم، می‌اندیشیم یا می‌گوییم را تولید و تثبیت می‌کنند (شیلینگ^۶، ۲۰۱۲: ۷۹). به عبارتی گفتمان عبارت است از زبان و کاربرد آن (گی و هاندفرد^۷، ۲۰۱۲: ۱۲-۱). نگاه به کارآفرینی همچون یک گفتمان، با هدف نقد این پدیده و سهم آن در توسعه، از دهه ۱۹۹۰ میلادی تاکنون پیش کشیده شده است. از این‌منظر، برخی متفکران (آگبر، ۲۰۰۰: ۶۱۱-۶۰۵؛ داکاستا و سیلوا

1 Ferguson

2 Gardner and Lewis

3 Social constructs

4 Venkataraman & Shane

5 Michael Foucault

6 Shilling

7 Gee and Handford

سارایوا^۱، ۲۰۱۲: ۷۹۴-۵۸۷؛ گاس، ۲۰۰۵: ۲۰۹-۲۰۵) به نقد و شالوده‌شکنی از گفتمان کارآفرینی پرداخته و سعی کرده‌اند تا مقولاتی را که غالباً در ادبیات کارآفرینی بدیهی پنداشته می‌شوند؛ از جمله خارق‌العاده بودن فرد کارآفرین، ریشه‌داشتن کارآفرینی در فرهنگ غرب سفید، مردانه، دگرجنس‌گرایانه، با خاستگاه متعلق به اروپا و امریکای شمالی، و جنسیتی دیدن کارآفرین را، رد یا تحت آزمونی دیگر بار قرار دهند. ایرانی (۲۰۱۹: ۱۰-۱) از مجرای مطالعه تاریخ توسعه در هند، با طرح مفهوم شهروندی کارآفرینی^۲، آن را همچون رژیم سیاسی-اقتصادی تعریف می‌کند که بر مبنای مناسبات و روابطی خاص، شهروندان را به نوآوران و دیگران تقسیم نموده و لذا جامعه را به نحوی تبعیض‌آمیز به دو پاره تقسیم می‌کند. همچنین تعدادی از پژوهش‌ها (نیکلسون و آندرسون^۳، ۲۰۰۵: ۱۵۶-۱۵۴) با نگاهی پست‌مدرن به فرهنگ، از خصلت هژمونیک آن در متون کارآفرینی سخن گفته و معتقدند که معانی کاملاً سیال و شناور نبوده بلکه در ارتباط با کارآفرینی به فرهنگی دامن می‌زنند که مروج فردگرایی است و لذا ساختارهای سرمایه‌داری را مستحکم می‌سازد. برخی پژوهش‌های فارسی (شهرکی و دیگران، ۱۳۹۵ الف: ۴۰-۲۹؛ شهرکی و دیگران، ۱۳۹۵ ب: ۷۵۷-۷۵۰؛ شهرکی، ۱۳۹۶: ۷۴-۶۶) نیز، به نقد جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی کارآفرینی روستایی پرداخته و تلاش کرده‌اند تا گونه‌ای تحلیل گفتمانی از این پدیده ارائه دهند. خسروبیگی برچلوبی و جوان (۱۳۹۴: ۳-۲) از ساختارهای معرفتی مسلطی در گفتمان نوسازی پرده برمی‌دارند که زیربنای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور بوده و با از میان بردن ارزش‌های دهقانی و محلی، و الحاق آن به سطح ملی، نوعی سوژه‌سازی انضباطی کارآفرینانه پی‌ریزی کرده‌اند.

توسعه همچون یک گفتمان

برداشت غالب از توسعه که گاه از آن تحت‌عنوان «مدرن‌شدن» نیز نام می‌برند، با سرشت‌نمایی متأثر از پارادایم نوسازی از قبیل عرفی یا عقلانی‌شدن، صنعتی‌شدن، شهری‌شدن و دموکراتیک‌شدن ساختارها و روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی همراه است (دلآوری، ۱۳۸۸: ۱۴). چنین ادراکی از توسعه، برآمده از شرایط و ارزش‌های تاریخی کشورهای غربی (مفتخری، ۱۳۸۸: ۳)، و لذا واقعیت برآمده از این ادراک، پدیده‌ای

1 da Costa & Silva Saraiva

2 Entrepreneurial citizenship

3 Nicholson and Anderson

تاریخ‌مند و وضعیت‌یافته^۱ است. مدّعی‌های هنجاری غربی و تاریخی بودن توسعه، درخصوص هر دو مکتب عمده در ادبیات توسعه، یعنی نوسازی و وابستگی مصداق دارد؛ با این تفاوت که اولی، بیشتر بر عوامل داخلی، و دومی بر تحلیل عوامل خارجی در تبیین توسعه یک کشور نظر دارند. در نظر برخی متفکران به‌ویژه انسان‌شناسان (اسکوبار^۲، ۱۹۹۷: ۵۰۵-۵۰۱؛ ۲۰۰۵: ۳۵۲-۳۴۱)، به‌منظور پرهیز از چنین ارزش‌هایی، باید به توسعه دیدی گفتمانی داشت. در دو دهه اخیر، چالش‌های نظری و روشی برخاسته از پدیده‌هایی همچون جهانی‌شدن، فمینیسم، و پسامدرنیسم، نظریه‌های توسعه را با چالش‌هایی جدی مواجه ساخته (وئوقی و ایمانی، ۱۳۸۹: ۲۴)؛ و زمینه را برای آغاز «عصر پساتوسعه» و مطالعات گفتمانی توسعه هموار ساخته است. یکی از پیشروترین متفکران تحلیل گفتمانی توسعه، آرتور اسکوبار^۳ انسان‌شناس کلمبیایی است که در سلسله آثاری (۱۹۹۵: ۱۴-۵، ۱۹۹۷، ۲۰۰۵، ۲۰۰۷: ۳۳-۱۸) به شالوده‌شکنی از گفتمان توسعه پرداخته است. اسکوبار با ردّ دوگانه‌گرایی‌ها^۴ و ساختارهای صلب اجتماعی، بر این عقیده است که توسعه نه صرفاً نامی برای یک ارزش، و زبانی خنثی که بتواند بی‌طرفانه به کار رود؛ بلکه یک شبکه گفتمانی^۵ است که مشاهدات هرروزه را برای انسان، قابل‌فهم و بامعنی می‌سازد. برای اسکوبار، دوران پساتوسعه^۶، سپیده‌دمان عصری است که در آن با «گفتمان‌های توسعه» مواجهیم نه «گفتمان توسعه» و نیز با «بدیل‌هایی برای توسعه»^۷ و نه «توسعه بدیل»^۸. در دیدگاه افرادی همچون اسکوبار و استوا^۹ (۱۹۹۸: ۲۶-۱۹) به توسعه روستایی، با نوعی دیگر از جهان توسعه مواجهیم که نه بر یک‌دستی جوامع روستایی و ایستا بودن آن، بلکه بر نوعی پویایی و تکثرگرایی نهادی تأکید داشته؛ و با ویژگی‌هایی همچون جنبش‌های روستایی و دهقانی، خودگردانی محلی، اقدامات و کنش‌های مردم‌نهاد، مقاومت، و اختلاط‌های فرهنگی خصلت‌بندی می‌شود. نگاه متفکرینی همچون اسکوبار به توسعه، ادامه‌دهنده کلیه تلاش‌هایی است که درصدد بوده‌اند تا با پیش‌فرض نفوذ ارزش‌های سرمایه‌سالارانه در فرایند توسعه و منجر شدن آن به عقب‌ماندگی، به رهیافت‌ها و رویکردهای نوین و انتقادی با درنظرداشت وجوه انسانی و کیفی دراین‌خصوص دست یابند (نراقی، ۱۳۹۰: ۸۶-۸۰). لذا طرح توسعه

1 situated

2 Escobar

3 Arturo Escobar

4 Dichotomies

5 Discursive network

6 Post-development

7 Alternatives for development

8 Alternative development

9 Gustavo Esteva

روستایی (پایدار) در ارتباط با جنبش‌های زنان، جنبش‌های زیست‌محیطی، اختلاط‌های فرهنگی و جنبش‌های اجتماعی (شهرکی و دیگران، ۱۳۹۵ الف) و در عصر پساتوسعه را می‌توان در ادامه تلاش‌هایی ارزیابی کرد که سعی داشته‌اند از پیامدهای مخرب اجتماعی و زیست‌محیطی پروژه‌های توسعه‌ای انتقاد و آن‌ها را تبیین کنند.

سه گسست در اقتصاد سیاسی کارآفرینی

یکی از مهم‌ترین مضامین مطرح در اندیشه جوزف شومپتر^۱ (۱۸۸۳-۱۹۵۰) در کسوت پدر بنیان‌گذار کارآفرینی، تحلیل تاریخی کارآفرینی و موشکافی آن از منظر جامعه‌شناسی تاریخی و اقتصاد سیاسی است. نقد اجتماعی و تاریخی کارآفرینی از سوی شومپتر، در کتاب او با عنوان سرمایه‌داری، سوسیالیسم، و دموکراسی^۲ (۱۹۴۲) بازتاب یافته است. از منظر اقتصاد سیاسی، می‌توان سه گسست عمده در تاریخ اقتصاد کارآفرینی تشخیص داد: نخست، گسست یا دوگانه میان گفتمان نوآوری و گفتمان تعادل که در بطن تئوری‌های اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک مطرح است. شومپتر در ابتدا و به پیروی از لئون والراس^۳ (۱۸۳۴-۱۹۱۰)، ایزرائیل کرایزنر^۴ و مارک کیسون^۵، بر این گمان بود که نظام اقتصادی ایستا بوده و می‌توان عملکردش را بر اساس نظریه تعادل تبیین کرد؛ یعنی نظام اقتصادی تنها از تعادلی به تعادل دیگر می‌رسد. لیکن، روی‌گردانی شومپتر از مفهوم اقتصاد ایستای^۶ والراس، در کتاب نظریه توسعه اقتصادی^۷ (۱۹۱۱) کاملاً مشهود است (سوندبرگ^۸، ۲۰۰۳: ۲۶). بحث کلی شومپتر در این کتاب این است که اقتصاد نه بر مبنای تحریکات بیرونی بلکه بر اساس تغییرات درونی و آرام و به شکل چرخشی تجاری^۹ که توسط کارآفرین ایجاد می‌شود، عمل می‌کند. دوم، تقدم و تأخر کارآفرینی و نظام اقتصادی مبتنی بر آن، از سویی، و سرمایه‌داری به‌عنوان موتور محرکه توسعه اقتصادی از دیگرسو. برای مدت‌های مدید این‌طور فرض می‌شد که اقتصاد چیز چندانی برای ارائه در مبحث کارآفرینی ندارد (اسملسر^{۱۰} و سوندبرگ، ۲۰۰۵: ۲۶-۳؛ نادسن^{۱۱} و سوندبرگ،

1 Joseph Schumpeter
2 Capitalism, socialism, and democracy
3 Léon Walras
4 Israel Krizner
5 Mark Casson
6 Stationary economy
7 The theory of economic development
8 Swedberg
9 Business cycle
10 Smelser
11 Knudsen

۲۰۰۹: ۱). در اقتصاد نئوکلاسیک قرن نوزدهم، همه چیز در تعادلی کلی است و تغییر نمی‌کند؛ هیچ عرصه‌ای برای کارآفرینی مهیا نیست و لذا این سرمایه‌دار است که توسعه اقتصادی را پیش می‌برد. اقتصاد و اقتصاددان‌های مسلط قرن هیجدهم و نوزدهم همچون کنتیلون^۱، اسمیت، اسمیت، و سی^۲، به هیچ‌عنوان بر اهمیت کارآفرینی به‌عنوان منبعی برای تغییر، توسعه و پیشرفت پیشرفت پی نبرده بودند (لیچ و سیگل^۳، ۲۰۱۰: ۱۶-۱۰). لودویگ فن مایزس^۴ تا آنجا پیش رفت که از احتمال باختن پول توسط کارآفرینی در اثر پیش‌گویی اشتباه نیاز مصرف‌کننده و لذا ایجاد مانع بر سر راه توسعه اقتصادی و ایجاد ائتلاف منابع سخن گفت. اما آگوست کنت در تشریح خویش از جامعه صنعتی و نقد اقتصاد لیبرال، برخلاف آدام اسمیت در ثروت ملل، کارآفرین و نه سرمایه‌دار را موتور محرک توسعه اقتصادی می‌داند (آرون، ۱۳۸۴: ۱۰۴-۹۶). لیکن، هر دوی این گسست‌ها، در کار ساخت و پرداخت نوعی کارآفرینی سرمایه‌دارانه (نادسن و سوئدبرگ، ۲۰۰۹: ۳-۱)، و به زبان اسکوبار، اراییه گونه‌ای از توسعه بدیل هستند و لذا به کارآفرینی همچون یک پروژه توسعه‌ای متأثر از راهبرد نوگرایی نگاه کرده که هدفش فرضاً در محیط‌های روستایی ایجاد اشتغال با محوریت بخش کشاورزی و با نیم‌نگاهی به حوزه‌های صنعتی و خدماتی است. در راهبرد نوگرایی، با گونه‌ای «توسعه روستایی یکپارچه»، به‌عنوان اقدامی برای دخالت و یورش همه‌جانبه به محیط‌ها و فرهنگ‌های منفعل روستایی به‌منظور مدیریت و کنترل آن روبرو هستیم. در گسست سوم - که در این پژوهش، همچون مبثی در اقتصاد سیاسی و از مجرای تقابل هژمونیک میان توسعه روستایی و کارآفرینی روستایی تشریح خواهد شد - توسعه و کارآفرینی، مورد تحلیل گفتمانی قرار می‌گیرند. گسست سوم، ریشه‌های نظری خود را در نوسانی تحلیلی و مفهومی مابین نظرات پسااستخارگراهایی^۵ همچون اسکوبار اسکوبار و استوا از یک‌سو، و عقاید تلفیقی نظریه‌پردازانی همچون آرام ضیایی (۲۰۱۳، ۲۰۱۵) و فرگوسن از سوی دیگر می‌یابد. فرگوسن در مقاله معروف خویش، *انسان‌شناسی و هم‌زاد شرس*^۶ (۲۰۰۵: ۱۴۲)، در توصیف منازعه میان انسان‌شناسان تکامل‌گرای قرن نوزدهم همچون، همچون، مورگان^۷ و تیلور^۸، و نسبی‌گراهایی مانند فرانس بوآس^۱، عنوان می‌کند:

1 Richard Cantillon

2 Jean-Baptiste Say

3 Licht and Siegel

4 Ludwig von Mises

۵ پسااستخارگراها، حیطة عمل بسیاری برای گفتمان قائل بوده و ضمن رد عاملیت انسانی، گفتمان را نه تنها بازتابنده واقعیت بلکه سازنده آن نیز می‌دانند. از نظر آن‌ها همه هستی و واقعیت اجتماعی یک برساخته اجتماعی و محصول گفتمان است.

6 Anthropology and its evil twin: "development" in the constitution of a discipline

7 Lewis Henry Morgan

8 E. B. Tylor

جوامع نخستین در تقابل یا یکدیگر رتبه‌بندی و نمره‌گذاری نشده، همگی واجد ارزشی برابر بوده و کلیت الگوهای فرهنگی (آمریکا) یا نظام‌های کارکردی (بریتانیا) را شکل می‌دادند؛ الگوها و نظام‌هایی که به‌نوبه خویش ارزش مطالعه را داشتند. اما کماکان در طبقه‌ای مجزا و به معنایی ماقبل‌تر از جامعه «مدرن»، «غربی» و «متمدن» بدان‌ها نگریسته می‌شد.

در بخشی دیگر از همان مقاله، فرگوسن بیان می‌کند که مناسبت میان انسان‌شناسی و توسعه، دوگانه بوده؛ از سویی، انسان‌شناسان، مفهوم و رویه‌های توسعه را به‌خصوص پس از جنگ جهانی دوم پذیرفته‌اند و از دیگرسو، همواره با پذیرش معنای چیزی با نام «انسان‌شناسی کاربردی» یا «انسان‌شناسی توسعه»^۲ مشکل داشته‌اند. ضیایی (۲۰۰۷: ۹-۶، ۲۰۱۳: ۱۲۷-۱۲۵، ۲۰۱۵: ۸۳۸-۸۳۳)، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی توسعه و پساتوسعه را به‌دقت نقد کرده و موضعی حد وسط اتخاذ می‌کند. موضع میانه ضیایی به آنچه فرگوسن در مقاله خودش تشریح کرده بسیار نزدیک است. می‌توان گفت که اگر چنین دوگانه‌ها یا گسست‌هایی، (به‌خصوص گسست‌های اول و دوم)، توسعه را در بسیاری اوقات به یک لقلقه زبانی^۳، یا یک شعار پوکِ مدرن^۴، یا رمز عبوری برای جذب و تصرف سرمایه بدل ساخته، و لذا به بحران معنایی و زبان‌شناختی دامن زده‌اند (کورنوال^۵، ۲۰۱۰: ۲)؛ بروز چنین بحرانی در اقتصاد سیاسی و سیاست معنای کارآفرینی، که از نظر تاریخی ذیل راهبردهای توسعه‌ای تعریف شده و هنوز نیز می‌شود؛ نیز مصداق دارد. بدین معنا که کارآفرینی (روستایی) با به محاق بردن و تأخیرانداختن شعارهای کلاسیک توسعه، یعنی کاهش فقر، بیکاری، و نابرابری، زمینه را برای بازتولید صورت‌بندی‌های سرمایه‌داری همچون کسب سود و منفعت شخصی - و نه ثروت اجتماعی - از مجرای بهره‌برداری از فرصت(هایی) که ماحصل بروز نقص یا عدم تعادل در بازار است، هموار می‌سازد.

حوزه جغرافیایی پژوهش

استان سیستان و بلوچستان در شرق ایران واقع شده است. از ۲۷۷۵۰۱۴ نفر جمعیت این استان، در حدود ۱۴۲۷۳۳۲ نفر (حدود ۵۱ درصد) در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. در این استان ۹۲۸۵ روستا وجود دارد که از این تعداد، ۲۷۳۲ روستا (حدود ۳۰ درصد) طی خشک-

1 Franz Boas

2 Development anthropology

3 Buzzword

4 Modern shibboleth

5 Cornwall

سالی ۱۵ساله اخیر، خالی از سکنه شده‌اند. نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری در سیستان و بلوچستان، به ترتیب عبارتند از ۳۲/۹ و ۱۳/۸ درصد (میزان شاخص‌ها برای کل کشور به ترتیب عبارتند از ۴۰/۴ و ۱۲/۷ درصد) لذا بر اساس این دو معیار، استان در پایین‌ترین رده از نرخ مشارکت اقتصادی و در رتبه ۱۲۵ام (از مجموع ۳۱ استان کشور) از حیث بیکاری در کشور قرار می‌گیرد (مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵). حدود ۶۴۰۰۳ خانوار کشاورز بدون زمین در این استان وجود دارد که به‌طور نسبی ۹ درصد کل خانوارهای کشاورزی در کشور است. منطقه سیستان (میدان پژوهش)، در شمال استان سیستان و بلوچستان واقع شده و منطقه‌ای باستانی با قدمتی چندین هزارساله است. نظام اقتصادی سیستان بر مبنای کشاورزی معیشتی شکل گرفته و طی خشک‌سالی شدید و طولانی آسیب‌های جبران‌ناپذیری متحمل شده است. از ۳۴۹۰۲۹ نفر ساکن در کل منطقه سیستان، ۲۲۳۱۴۶ نفر (حدود ۵۷ درصد) در مناطق روستایی زندگی می‌کنند (نرخ روستانشینی در کل کشور ۲۶ درصد است). خشک‌سالی ۱۵ساله نه تنها آسیب‌های جدی به تأسیسات زیربنایی مشتمل بر راه‌ها، مزارع کشاورزی، و مدارس سیستان وارد آورده بلکه سبب ایجاد آلودگی‌های شدید هوا و بروز و شیوع بیماری‌های چشمی و تنفسی در این منطقه شده است (دهمرده، ۲۰۱۶: ۳۳۷-۳۳۵؛ میری و همکاران، ۲۰۱۰: ۸۵-۸۳).

روش تحقیق

در روش‌شناسی پژوهش از تحلیل وضعیتی^۱ استفاده شده است. تحلیل وضعیتی گونه‌ای گسترش و بسط تئوری داده‌بنیاد، بر مبنای چرخش تفسیری، پسا‌ساختارگرا و پسامردن در علوم اجتماعی است (کلارک، ۲۰۰۵ الف: XXii-XXV؛ ۲۰۰۵ ب: ۱۳-۱۱، اقتباس از چارمز^۲، ۲۰۰۶: ۱۰-۱). به عبارتی تحلیل وضعیتی عبارت است از تئوری داده‌بنیاد به‌علاوه تحلیل گفتمان. امروزه تحلیل وضعیتی در طیف وسیعی از پژوهش‌های کیفی به‌خصوص مطالعات مبتنی بر مصاحبه، مورد استفاده قرار گرفته است. ریشه‌های نظری تحلیل وضعیتی در نظریه اقالیم اجتماعی اشتراوس^۳ (۱۹۷۸: ۱۲۵-۱۱۹)، پراگماتیسم، مفاهیم شرایط امکان^۴ و سازوکار^۵

1 Situational Analysis (SA)

2 Charmaz

3 Strauss's social world theory

4 conditions of possibility

5 dispositif

از میشل فوکو، مفهوم «وضعیتی بودن»^۱ از سی رایت میلز^۲ و نیز مفهوم «دانش وضعیتی»^۳ از هاروی^۴ قابل ردیابی است. تحلیل وضعیتی از طریق تصدیق تجسد و وضعیتی بودن خود محقق، توجه به تفاوت‌ها، پیچیدگی‌ها، و میزانی از واریانس در داده‌ها، در نظر داشت عناصر فرا انسانی (اشیاء مادی از قبیل حیوانات، تجهیزات و ساختمان‌ها و فناوری‌ها) و تحلیل گفتمان، تئوری داده‌بنیاد را تکمیل می‌کند. تحلیل گفتمان در این مطالعه، در بطن تحلیل وضعیتی و با استفاده از نظریه گفتمان لاکلو و موفه^۵ (یورگنسن و فیلیپس^۶، ۲۰۰۲: ۶۰-۲۴؛ یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۰۵-۵۳؛ جمشیدیها و نوذری، ۱۳۹۳: ۳۱-۲۸) انجام گرفته است.

تحلیل وضعیتی، سه راهبرد تحلیلی، و طرح پژوهش

مهم‌ترین راهبردهای تحلیل وضعیتی عبارتند از ترسیم سه نقشه که محقق از همان مراحل نخستین طراحی پژوهش تا آماده‌کردن گزارش پژوهش و نشر آن به ترسیم و تحلیل آن‌ها مبادرت ورزیده و یک مشغله مداوم^۷ با آن‌ها دارد. این نقشه‌ها عبارتند از: (الف) نقشه وضعیتی^۸، (ب) نقشه جهان/اقلیم اجتماعی^۹، و (ج) نقشه موقعیتی^{۱۰}. این سه نقشه^{۱۱} در پی شرح و بسط عناصر کلیدی، گفتمان‌ها، ساختارها، و شرایط امکانی هستند که وضعیت پژوهش را خصلت‌بندی می‌کنند. تمامی انواع سه نقشه، بر گونه‌ای از بوم‌شناسی روابط متکی هستند. ترسیم چنین نقشه‌هایی که در حقیقت گونه‌ای بازنمود تصویری^{۱۲} هستند، به محقق کمک می‌کند تا به داده‌ها به شیوه‌های جدید نگاه کرده و پیرامون آن‌ها بیندیشد. بدین ترتیب، طرح این پژوهش شامل مراحل زیر است: (۱) ترسیم نقشه وضعیتی به هم‌ریخته و سامان‌یافته؛ (۲) انجام نمونه‌گیری کارتوگرافیک (یعنی نمونه‌گیری بر مبنای بازنمود تصویری حاصل از نقشه‌های وضعیتی)؛ (۳) انجام مراحل کدگذاری باز با استفاده از متون مصاحبه و اسناد و مدارک؛ (۴) وارد کردن متون مصاحبه، اسناد، و مطالب مندرج در تارنماها، در نرم‌افزار اتلس.تی^{۱۳}، تعیین کدها و اسنادها، ترسیم

1 Situatedness

2 C. Wright Mills

3 Situated knowledge

4 Dona Haraway

5 Laclau and Mouffe

6 Jørgensen and Phillips

7 Constant engagement

8 Situational map

9 social world/arena map

10 positional maps

^{۱۱} در تحلیل وضعیتی، لزومی برای ترسیم هر سه نقشه وجود ندارد. در این پژوهش تنها دو نقشه ترسیم شده است.

12 pictorial representation

13 ATLAS.ti

جدول هم‌پیداری و شجره‌ها؛ (۵) استفاده از شجره‌ها به‌منظور ترسیم نقشه اقلیم اجتماعی و سپس انجام تحلیل گفتمان^۱.

ترسیم دو نقشه وضعیتی پژوهش

نقشه‌های وضعیتی، در همان فاز نخست طراحی پژوهش ترسیم شده، و هر چیزی که حتی یک داده کوچک در اختیار می‌گذارد را درج کرده و به برداشتی موقتی از روابط احتمالی اما مهم میان آن عناصر منجر می‌شوند. بدین ترتیب فرایند ترسیم این نقشه‌ها مسیری را طی می‌کند که برخلاف ساده‌سازی‌ها و طبقه‌بندی‌های مرسوم علمی از قبیل محلی، ملی، بین‌المللی، یا درونی، میانی و برون‌ی است. در پیوست (۱) نقشه وضعیتی به‌هم‌ریخته ارائه شده است. همچنین در پیوست (۲) نقشه وضعیتی سامان‌یافته ترسیم شده که در قالب آن مقوله‌ها از وضوح بیشتری برخوردار بوده و به انواعی همچون کنشگران فردی، جمعی، انسانی، فرا انسانی و گفتمانی تقسیم شده‌اند.

شیوه نمونه‌گیری

از آنجاکه یکی از هدف‌های ترسیم نقشه‌های وضعیتی کمک به نمونه‌گیری پژوهش است، می‌توان شیوه نمونه‌گیری را، کارتوگرافیک اطلاق نمود. بر اساس مشورت‌های انجام‌شده با کارشناسان و تمرکز بر نقشه‌های وضعیتی، تعداد ۲۰ نفر از کارآفرینان روستایی و کشاورزی، سه سند بالادستی، و نیز سه وب‌سایت مرتبط با سازمان‌های دولتی، به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. در طراحی مصاحبه‌ها سعی شد تا رخداد مصاحبه ضمن کار بر روی مزرعه یا در روستا، انجام پذیرفته و از یک رهیافت پسامدرن (فونتانا^۲، ۲۰۰۱: ۱۶۴-۱۶۲) در پیشبرد مصاحبه پیروی شود. بدین ترتیب که هیچ پرسش ازپیش تعیین‌شده‌ای طراحی نشد، بلکه به مصاحبه همچون یک تولید اجتماعی نگریسته، و از پاسخ‌گویان درخواست شد تا احساسات، نگرش‌ها، بیم‌وامیدها، شک‌وتردیدها و تجارب شخصی خود را از زیست و حرفه کارآفرینانه خود بیان کنند. در جدول (۱) تفکیک سنی، تحصیلی، حرفه‌ای و جنسیتی پاسخ‌گویان، اسناد و آدرس تارنماهای تحلیل‌شده، ارائه شده است.

۱ این مرحله دلالت دارد بر نوعی گذار از رهیافت نظام‌مند اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) در نظریه داده‌بنیاد، به رهیافت برساخت‌گرایانه چارمز که در تحلیل وضعیتی مستتر است.

جدول ۱. مشخصات و تفکیک شغلی پاسخ‌گویان*

ردیف	تحصیلات	سن	جنس	حرفه
۱	دیپلم	۴۷	زن	مدیر و بنیان‌گذار صندوق زنان روستایی
۲	لیسانس	۵۰	مرد	بنیان‌گذار شرکت هامون‌سازه و مجتمع تفریحی لادیز
۳	لیسانس	۲۶	مرد	بنیان‌گذار اقامتگاه بوم‌گردی سیستان
۴	فوق لیسانس	۲۵	مرد	تولیدکننده پهباد
۵	دیپلم	۴۳	مرد	ایده‌پرداز در حوزه آب‌های نامتعارف
۶	دکتری	۴۸	مرد	معاون پارک علم و فناوری استان
۷	فوق لیسانس	۴۲	مرد	کارشناس اداره کار رفاه و تأمین اجتماعی استان
۸	فوق لیسانس	۴۲	مرد	مؤسس شرکت مشاوره کارآفرینی
۹	دکتری	۵۸	مرد	فعال در زمینه کشت به‌لیمو
۱۰	لیسانس	۴۰	مرد	کارشناس مرکز رشد دانشگاه زابل
۱۱	دیپلم	۴۰	مرد	منبت‌کار و معرق‌کار
۱۲	دکتری	۵۸	مرد	مجری طرح مجتمع کشتارگاهی صنعتی دام در زابل
۱۳	متوسطه	۴۸	زن	فرش‌باف
۱۴	دیپلم	۵۰	مرد	پرورش‌دهنده آهو
۱۵	فوق لیسانس	۳۶	زن	مؤسس مرکز تولیدی - حمایتی نیمروز
۱۶	لیسانس	۲۸	مرد	سوزن‌دوز
۱۷	فوق لیسانس	۴۰	مرد	مدیرصندوق توسعه فعالیت‌های کشاورزی
۱۸	لیسانس	۲۴	مرد	تولیدکننده گل و گیاه
۱۹	دیپلم	۵۰	مرد	تولیدکننده گل و گیاه
۲۰	دیپلم	۵۰	مرد	تولیدکننده قارچ
اسناد				
۱	طرح توسعه کسب‌وکار و اشتغال پایدار (تکاپو)	نشرشده در: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی		
۲	نقشه توسعه کارآفرینی کشور	نشرشده در: دفتر توسعه کارآفرینی معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی		
۳	طرح مشارکت مردم در راه‌اندازی واحدهای تولیدی مستقر در روستا	قابل‌دسترس در اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی		
تارنما یا وبگاه				
۱	اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی سیستان و بلوچستان	https://sb.mcls.gov.ir		
۲	اداره جهاد کشاورزی سیستان و بلوچستان	http://www.sb-agrijahad.ir		
۳	پارک علم و فناوری سیستان و بلوچستان (بخش گزارش‌ها)	https://sbstp.ir		

• جهت رعایت گمنامی، نام و نام خانوادگی پاسخ‌گوها نزد محققان محفوظ است.

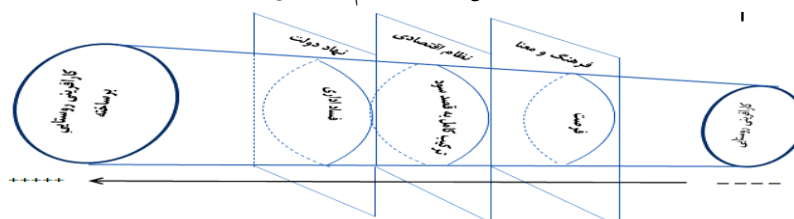
تجزیه و تحلیل یافته‌ها

به‌منظور شناسایی ابعاد کلیدی نهادی و گفتمانی وضعیتی پژوهش که در واقع همان نظم‌های گفتمانی لالکو و موفه هستند؛ مراحل ۳ و ۴ طرح پژوهش به‌ترتیب انجام شد؛ بدین ترتیب که متون مصاحبه، سه فایل به‌عنوان اسناد بالادستی مرتبط با کارآفرینی روستایی، و مطالب گزینش‌شده از سه تارنمای اینترنتی، وارد نرم‌افزار اطلس‌تی شده، کدها و اسنادها موردشمارش قرار گرفت؛ جدول هم‌پیداری برای کدهای پراستناد استخراج شد؛ و شجره‌های مربوط به این کدها ترسیم شد^۱. تعداد کدها، ۱۷ عدد بود که از میان آن‌ها، کد «فساد اداری»،

۱ از آنجاکه این مطالعه بیشتر بر شیوه انجام تحلیل وضعیتی متمرکز است، همچنین به‌منظور جلوگیری از حجیم‌شدن نوشتار، جداول مبسوط مربوط به کدها، جدول هم‌پیداری، و برون‌داده‌های اطلس‌تی در خصوص شجره‌ها در متن ارائه نشده است.

با ۶۲ استناد، با فاصله زیادی بالاتر از کدهای دیگر قرار گرفت. کدهای بعدی، که در ترسیم نقشه اقلیم مورد استفاده قرار گرفتند، به ترتیب عبارت بودند از کد «نظام اقتصادی» با ۳۰ استناد، و کد «معنا» با ۲۴ استناد. برای انجام مرحله ۵ طرح پژوهش، با استفاده از مقولات نقشه وضعیت سامان یافته، کدها و استنادها، و شجره‌های خروجی اطلس‌تی، که در واقع همگی، تأییدات تجربی نظم‌های گفتمانی هستند؛ نقشه اقلیم یا جهان اجتماعی که جهت تحلیل گفتمانی داده‌ها مورد استفاده قرار خواهد گرفت، ترسیم شد که در شکل (۱) نشان داده شده است.

شکل ۱. نقشه اقلیم اجتماعی



نقشه اقلیم اجتماعی و تحلیل گفتمانی یافته‌ها

نقشه اقلیم/جهان اجتماعی، در واقع نقشه گفتمان‌ها یا نظم‌های گفتمانی است؛ زیرا جهان‌های اجتماعی، خود «سپهر گفتمان‌ها» هستند (کلارک، ۲۰۰۵الف، ۲۰۰۵ب: ۱۷۸-۱۷۴). همچنین، منظور از اقلیم^۱، در نقشه اقلیم اجتماعی، همان جایگاه کنش و گفتمان است. این نقشه تشریحی است از کنشگران جمعی^۲ و اقلیم یا اقالیم تعهد که در بطن آن‌ها، آن کنشگران در قالب گفتمان‌ها و مذاکرات جاری، با یکدیگر درگیر شده و بده‌بستان می‌کنند. در شکل (۱) در سمت چپ نقشه اقلیم، که حاوی تفاسیری از کدهای پراستنادتر و لذا گفتمانی‌تر است، دایره مربوط به کارآفرینی روستایی با اندازه‌ای بزرگ‌تر نشان داده شده؛ که بازتابی است از این واقعیت که حجم عظیمی از پدیده‌ای با نام کارآفرینی روستایی، یک برساخته اجتماعی است. منتهی‌الیه سمت راست نقشه که با علامت‌های منفی نشان داده شده، غیرگفتمانی، و با حرکت به سمت چپ، نقشه اقلیم، حاوی بار گفتمانی بیشتری است. سه شکلی که استوانه اصلی را قطع می‌کنند، نشان‌دهنده گفتمان‌های مستخرجی هستند که هریک، در بطن خویش (فضاهای

1 arena

2 collective actors

بیضی شکل داخلی) با گفتمان‌های رقیب مواجه هستند. این گفتمان‌ها در بخشی که از پی می‌آید تشریح خواهند شد.

۱- گفتمان دولتی کارآفرینی روستایی

این گفتمان کارآفرینی روستایی بر ساخته، با استناد به کدهایی که دارای بیشترین استنادها بوده و همگی چه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به دولت به عنوان یک کنشگر اصلی ربط دارند، حول و حوش دولت به مثابه یک دال مرکزی (گره‌گاه) مفصل‌بندی شده است. چرخش کارآفرینانه در اقتصاد کشور را می‌توان با آغاز دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد و حمایت دولت او از کسب و کارهای کوچک و متوسط، هم‌زمان دانست. از آن زمان تاکنون، کارآفرینی و کارآفرینی روستایی به مثابه یک پروژه دولتی در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته است. در اسناد مورد مطالعه در این پژوهش، ایجاد اشتغال در تمام سطوح محلی ملی استانی، و تحول در تمام بخش‌های عرضه و تقاضا در نظام اقتصادی، بر گرده دولت نهاده شده است. کدهای پر استناد در این پژوهش و نیز اسنادهای مربوط نیز گویای حضور وزن سنگینی به نام دولت، به مثابه دال اصلی گفتمان کارآفرینی است. نقل قول‌های ذیل گویای این مطلب است:

«ما روی جهاد کشاورزی حساب باز کرده بودیم». (۱) «دولت باید در روستاها سیاست‌گذاری بلندمدت داشته باشد». (۱۲) «سیاست هر سه دولت خاتمی، احمدی‌نژاد، و روحانی، ایجاد اشتغال از طریق اعطای تسهیلات بود». (۷) «هم در سیستان و هم در بلوچستان روستاها در آینده تخلیه می‌شوند مگر اینکه دولت کاری بکند». (۷) «در زمینه توسعه روستایی، پراکنده‌کاری داریم یک نظام واحد نداریم». (۱۲)

از این حیث، کارآفرینی دولتی، به زبان لاکلو و موفه، همچون «عینیتی» که فی‌نفسه گره‌گشای بسیاری از مشکلات به‌ویژه معضل بیکاری است، فراسوی هرگونه انتقادی پذیرفته شده است. ایرانی (۲۰۱۹: ۲)، با شالوده‌شکنی از گفتمان کارآفرینی در هند، توضیح می‌دهد که چگونه کارآفرینی به مثابه‌ی یک شیوه‌ی هنجارین از زیست اجتماعی، متعاقب آزادسازی اقتصادی از سال ۱۹۹۱، به ساخت اسطوره‌هایی دامن زده که سلسله‌مراتب و روابط قدرتی تبعیض‌آمیز در شهر و روستاها به بار آورده‌اند. در ایران نیز توقع از دولت، از خلال متون (مکتوب، شفاهی و رسانه‌ای) تا آن حد بالا رفته، که در فاصله زمانی بیش از دو دهه، تمام دولت‌ها در تحکیم و تثبیت این تصویر برساخته «دولت پاک دست پاک نهاد» و «کارآفرینی همچون یک امر مقدس و بدیهی» کوشیده‌اند؛ لیکن اسنادهای این پژوهش، مویذاتی تجربی فراهم آورده‌اند که گویای تشکیل یک دال خالی با عنوان «فساد اداری» است که از مجرای یک

کشمکش گفتمانی، فضا را برای برساخت گفتمان رقیب، باز می‌کند. تعدادی از استنادهای مرتبط با کد فساد اداری در ذیل ارائه شده‌اند:

«ممکنه وام بدهند ولی خیلی اذیت می‌کنند». (۱) «این قدر [پی وام] رفتیم آقا! این قدر رفتیم ولی خب خبری نشد. الان خیلی گرفتار شدم؛ رفتم گفتم که مشکل دارم تا صندوق را منحل کنم ولی فایده نداره» (۱) «پرداخت می‌شود ولی به چه کسایی؟ اکثراً یا کارخانه دارند یا کارگاه دارند یا پارتی دارند». (۱۸) «بینید در ۱۰ سال گذشته چه کسانی وام گرفته‌اند زمین گرفته‌اند و از این شهر رفتند». (۲)

گفتمان کارآفرینی دولتی مبتنی بر دال شناوری همچون وام‌دهی، نتوانسته به هدف‌های ازپیش‌تعیین‌شده دست یابد. بر اساس آماروارقام به‌دست‌آمده از کافی‌نت‌ها و شرکت‌های مشاوره کارآفرینی که به ثبت‌نام افراد در سامانه کارا اقدام کرده‌اند، تنها حدود ۱۷ درصد افراد واجد صلاحیت بومی ساکن در سیستان، در سامانه، ثبت‌نام، و حدود ۳ درصد افراد ثبت‌نام‌کرده موفق به دریافت وام ۴ درصد روستایی برای راه‌اندازی کسب‌وکار شده‌اند. بسیاری از افرادی که وام دریافت کرده‌اند؛ از استان‌های اطراف، و با استفاده از خلأهای قانونی و نظارتی موفق به تشکیل پرونده و دریافت تسهیلات شده‌اند. براین اساس، می‌توان از انحصار کارآفرینی به پرداخت وام، و نیز فساد ساختاری موجود در فرایند وام‌دهی به‌عنوان دو نقطه‌ضعف اساسی گفتمان عینیت‌یافته کارآفرینی روستایی دولتی، نام برد.

۲- گفتمان نظام کارآفرینی روستایی و ایجاد شغل

«نظام اقتصادی»، دومین کد با تعداد ۳۰ استناد است. چون معیار مشخصی برای تمیز ابعاد گفتمانی و غیرگفتمانی یک پدیده یا واقعیت اجتماعی در تحلیل گفتمان وجود ندارد (یورگنسن و فیلیس، ۲۰۰۲: ۳۴)؛ نظام اقتصادی چه به‌صورت یک پدیده ملی و چه در سطح محلی، با ویژگی‌ها و عواملی که ترکیبی از مؤلفه‌های گفتمانی و غیرگفتمانی هستند همچون فساد اداری، و وام‌دهی از سویی، و عوامل اخلاقی و فرهنگی از دیگرسو، تشکیل و مفصل‌بندی می‌شود. بهتر است تا به برخی استنادهای کد نظام اقتصادی نگاهی بیندازیم:

«بحث دیگر نظام اقتصادی کشور خودمان است مثلاً تورم‌های کنترل‌نشده دلال‌بازی در اقتصاد». (۹) «شرکت‌های بزرگ اجازه رشد شرکت‌های کوچک را نمی‌دهند. باید رقابت ایجاد شود» (۹). «حکم دستوری دولت داده می‌شود. به آن‌ها وام کوچک می‌دهند ولی یک ریالش برگشت داده نمی‌شود» (۲). «به هر بانکی مراجعه می‌کنیم می‌گوید ۴۰ درصد از نقدینگی من

را به دستور دولت و بانک مرکزی داده‌اند به روستاها. چند درصد کارآفرینی ایجاد شده؟ (۲). «اشتغال فراگیر روستایی بیشتر برای جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها بوده است» (۱۷).

همان‌طور که در اسنادهای فوق بازتاب یافته، مصاحبه‌شوندگان به مقولاتی همچون عدم نظارت دولت، ناپایداری دولت‌ها، وجود انحصار، فساد و نقص در اعطای تسهیلات، و عدم ارزیابی درست اقتصادی از طرح‌های کسب‌وکار که منجر به عدم فروش و شکست آن می‌شود، اشاره داشته‌اند که همگی این مقولات، به ویژگی‌های کلان نظام اقتصادی کشور که کارآفرینی روستایی را بدون توجه به ریشه داشتن تاریخی آن در بطن مکاتب و نظام سرمایه‌داری رقابتی، و به‌عنوان راهبردی مسلم و یک پروژه متناقض دولتی در توسعه روستایی پذیرفته، ارجاع می‌دهند. کنودسن^۱ و سوئدبرگ (۲۰۰۹: ۱)، نظریه‌ای موسوم به کارآفرینی سرمایه‌دارانه^۲ را مطرح کرده و آشکار ساخته‌اند که کارآفرینی در ذات خویش نوعی توسعه سرمایه‌دارانه است که تنها برای پُر کردن شکافی که از حدود دهه ۱۹۰۰ میان نظریه نئوکلاسیک در اقتصاد و رهیافت اجتماعی رخ نموده بود، مطرح شد. آن‌ها خاطر نشان می‌سازند که در آن سال‌ها، به علت استیلای مکتب تعادل در اقتصاد، سوای شومپیتر، کرایزنر، و بومول^۳، هیچ اقتصاددانی از کارآفرینی سخن نمی‌گفت. از این حیث، کارآفرینی تنها مرهمی بر زخم ناشی از شکاف میان اقتصاد و اجتماع در اقتصاد نئوکلاسیک و تبعاً نئولیبرال است. پس پرسش اینجاست که چرا چنین شده؟ یعنی چرا کارآفرینی بر خلاف خصلت سرمایه‌دارانه ذاتی خودش، به نظام اقتصادی پرنقص دولتی واگذار شده؟ جمشیدیها و نوذری در پژوهشی (۱۳۹۳: ۳۷)، تحولات معنای توسعه را پس از انقلاب اسلامی با استفاده از نظریه گفتمان لاکلو و موفه، تحلیل کرده‌اند. آن‌ها اشاره می‌کنند که فضای توسعه در ایران، متأثر از دو گفتمان مسلط رشد نئولیبرالی (دولت‌های هاشمی‌رفسنجانی، خاتمی و روحانی)، و توزیع نئولیبرالی (دولت احمدی‌نژاد) بوده، که با تأکید بر اصلاح/افزایش قیمت‌ها، جامعه را بازاری یا به عبارتی اجتماع را در اقتصاد محاط کرده (گرنوتر^۴، ۱۹۸۵) و از این رو اقتصاد را جایگزین توسعه ساخته است.

همان‌طور که در بخش مربوط به اقتصاد سیاسی کارآفرینی اشاره شد، دو گسست عمده در تاریخ اقتصادی کارآفرینی، در چهارچوب اقتصاد نئوکلاسیک قابل تبیین است. این امر با این نظر که در سه دهه اخیر، اقتصاد ایران، تحت سیطره گفتمان اقتصاد نئولیبرال بوده هم‌راستاست. بدین ترتیب، نظام اقتصادی کشور از دریچه اقتصاد سیاسی، در ظاهر و در عالم نظر، گفتمان

1 knudsen

2 Capitalist entrepreneurship

3 William Baumol

4 Granovetter

کارآفرینی را جذب خویش کرده و آن را با مفاهیم اقتصاد نئولیبرالی همچون، خصوصی سازی، سود، بهره‌وری، چابک‌سازی و کوچک‌سازی دولت، تجاری‌سازی علم، نوآوری و فناوری، کاربردی‌سازی علوم، وجود نهادهای غیردولتی مکمل و پشتیبان کارآفرینی، صورت‌بندی کرده است. لیکن با رجوع به نظریه‌های که در پی فهم و تبیین دقیق مناسبات سرمایه‌دارانه در اقتصاد ایران هستند، از جمله نظریه زنجیره انباشت سرمایه در ایران^۱ در خواهیم یافت که کارآفرینی حتی در شکل سرمایه‌دارانه‌اش که از ترکیب جدید (نوآوری) در کل فرایند اقتصادی، و به قصد کسب سود حاصل می‌آید (نادسن و سوئدبرگ، ۲۰۰۹)، در بطن نظام اقتصادی کنونی ایران مجال بروز و توسعه ندارد و لذا به شکلی ناکامل و تناقض‌آمیز بر گرده دولت نهاده شده است. نظریه حلقه‌های انباشت سرمایه در ایران، حلقه‌ها یا مراحل سلب مالکیت عمومی، کالایی‌سازی طبیعت، و کالایی‌سازی نیروی کار را هم‌راستا با تعمیق مناسبات سرمایه‌دارانه، و سه حلقه دوم یعنی غلبه فعالیت‌های نامولد بر مولد، سرمایه تجاری بر تولیدکنندگان داخلی، و خروج سرمایه (سرمایه‌بری) بر ورود سرمایه (سرمایه‌گذاری و انباشت) را در جهت ایجاد اختلال در سرمایه‌داری تلقی می‌کند. آنچه این نظریه، تحت عنوان ناکارایی سازمانی، ناهماهنگی نهادی، و حکمرانی ضعیف نام می‌برد، مؤیدات تجربی خود را در این پژوهش، در استنادهای کد «فساد اداری»، با مضامینی همچون نقص و تبعیض در نظام وام‌دهی، و استنادهای کد «نظام اقتصادی» با مضامین محوری عدم نظارت دولتی، دلال‌بازی، هزینه‌های بالای تولید، و ناپایداری‌های سیاسی، باز می‌یابد. می‌توان بحث را چنین پی گرفت که انحراف سرمایه به سمت دلال‌بازی و کاسب‌کاری، در سطحی کلان، فعالیت‌های نامولد را بر مولد چیره ساخته، و در سطح خرد یا وضعیت خاصی که این پژوهش بدان می‌پردازد، آخرین مرحله از فرایند نوآوری کارآفرینانه روستایی سرمایه‌دارانه (نادسن و سوئدبرگ، ۲۰۰۹: ۱۰) یعنی کسب سود را به دلیل نبود بازاریابی درست و منطقی، محقق نمی‌سازد. استنادهای ذیل که مربوط به کد بازاریابی است گویای اهمیت بحث سود در فرایند کارآفرینی است:

«دولت فقط وام می‌دهد ولی مشاوره برای بازاریابی نمی‌دهد.» (۱۶) «من سایتیم را راه انداختم. ای نماد گرفتم. درگاه پرداخت گرفتم ولی فروش نداریم» (۱۶). «الان ۱۰ میلیون جنس در خانه‌ام تلنبار شده ولی یا فروش نمی‌رود یا با چانه‌زدن، قیمت پایینی رویش می‌گذارند.» (۱۳)

۱ تا کنون منبعی که به صورت جامع به شرح و بسط این نظریه پرداخته باشد منتشر نشده لیکن برای مطالعه درباره این نظریه می‌توان به تارنمای اینترنتی www.problematicaa.com مراجعه نمود.

لذا می‌توان بر مبنای نظریه لاکلو و موفه، «سودآوری» را دال خالی گفتمان «نظام کارآفرینی روستایی و ایجاد شغل» دانست. بسیاری از کارآفرینان، به دلیل عدم امکان تکمیل فرایند کارآفرینی و رساندن آن به مرحله سودرسانی، کار را رها و مایوس می‌شوند؛ همچنین، افزایش سرسام‌آور هزینه‌های تولید، و رواج دلال‌بازی، و بازدهی زود هنگام سرمایه در بازار ارز، طلا، و مسکن، در نبود جاذبه‌های سرمایه‌گذاری در سیستان، سبب شده تا حلقه‌های پنجم (غلبه سرمایه تجاری بر تولیدکنندگان داخلی) و نیز حلقه ششم (سرمایه‌بری) در اقتصاد منطقه عمل کرده، و دال خالی کسب سود، گفتمانی رقیب برای گفتمان ایجاد شغل برساند.

۳- گفتمان معناسازی برای کارآفرینی روستایی

بر اساس استنادهای کد معنا که به برخی از آن‌ها در ذیل اشاره شده است: «ما آنترپرنشپ^۱ را معادل‌سازی کردیم به کارآفرینی من بارها گفتم که فرضاً مدیر کارخانه فلان بهمان کارآفرین نمی‌شود». (۱۷) «کارآفرین در فرهنگ ما یعنی حق کارگرخور رانت‌خور و... (۲) «کارآفرین همه جای دنیا یعنی کسی که توسعه ایجاد می‌کند» (۱۷). «ابتدا بگویم که یک سری از تعاریف ما در ایران درست نیست کارآفرینی و اشتغال با هم فرق دارد» (۱۷).

بر اساس نظریه گفتمان لاکلو و موفه می‌توان چنین استدلال کرد که کارآفرینی به‌طور کامل با مفهوم ایجاد اشتغال از طریق پرداخت تسهیلات مترادف شده است. به اعتقاد کورنوال (۲۰۱۰: ۲) در ادبیات توسعه، مفاهیمی همچون، توانمندسازی، کاهش فقر، و عدالت اجتماعی به شعارهایی پوچ بدل شده‌اند که به روابطی ویژه از قدرت اشاره داشته و آن‌ها را تحکیم و تثبیت می‌کنند. چنین امری درخصوص واژه کارآفرینی در بستر محلی سیستان به‌خوبی مصداق دارد. دلالت عملی استعمال واژه کارآفرینی، در معنای ایجاد اشتغال، سبب شده تا از دو جهت به اقتصاد محلی سیستان ضربه بخورد: نخست، نوعی رقابت کاذب سازمانی-دولتی برای تعریف پروژه‌ها و دریافت سهم بیشتری از بودجه ایجاد شده؛ و دوم، بودجه دریافتی در نتیجه هژمونی دال وام‌دهی و راه‌اندازی کسب‌وکار، به ایجاد قشری از بدهکاران بیکار بانکی دامن زده، که مالا به «تأخیر در فرایند توسعه منطقه» که از حیث تاریخی بر کشاورزی تکیه شدیدی داشته، منجر شده است. بدین ترتیب از حیث آنچه کورنوال (۲۰۱۰: ۱۸-۱) آن را بحران معنا در توسعه نامیده است، می‌توان چنین استدلال کرد که آنچه در این اغتشاش معنایی، دال خالی گفتمان «معناسازی برای کارآفرینی روستایی» یا محوریت پرداخت وام را تشکیل می‌دهد، همانا مفهوم «فرصت» است. تمامی مراحل سه‌گانه فرایند کارآفرینی بر

روی مفهوم فرصت قوام یافته‌اند؛ لیکن، مفهوم «اشتغال‌زایی»، مفهوم «مترصد فرصت بودن» را طرد و به حاشیه رانده است. این امر سبب شده تا در منطقه‌ای با پایین‌ترین نرخ مشارکت اقتصادی در کشور، احتمال ایجاد یا حتی کشف فرصت از سوی افراد بسیار اندک باشد. دال‌های خالی سه‌گانه بازتاب‌یافته در نقشه جهان اجتماعی، یعنی فساد اداری، ترکیب کامل به‌قصد سود و فرصت، سبب شده تا گفتمان دولتی کارآفرینی روستایی در خوش‌بینانه‌ترین حالت، به‌نوعی کارآفرینی سرمایه‌دارانه فردی ناقص و ابتر از رهگذر جستجوی فرصت سودآور شخصی با بهره‌گیری از فساد اداری، دامن بزند، که در بحران بازاریابی گرفتار آمده است و در بدترین حالت به مانعی دولتی بر سر راه توسعه روستایی، بدل شود. هیچ‌کدام از این دو حالت، متضمن تولید کالاها و خدمات نیست. براین‌اساس، در وضعیت کنونی و چشم‌انداز آتی توسعه روستایی در سیستان، گفتمان دولتی کارآفرینی روستایی، یا به تلاشی سودجویانه برای استفاده از فرصت دریافت وام منتهی خواهد شد و یا به ایجاد بن‌بست عدم بازاریابی و سود.

توسعه روستایی و کارآفرینی: مسیری برای تحقیقات آینده

کارآفرینی روستایی دولتی یک ترکیب متناقض است. از سویی، سبب غفلت یا به‌تأخیرافتادن غایات کلاسیک و دیرپای توسعه، یعنی رفع فقر، بیکاری، و نابرابری می‌شود؛ و از دیگر سو، پدیده کارآفرینی را که از حیث تاریخی، یک راه توسعه سرمایه‌داری و متأثر از مکتب نوگرایی است به سبب نقص‌های ساختاری‌ای که بر سر راه انباشت سرمایه و ایجاد فرایند سرمایه‌داری رقابتی است، به گفتمان وام‌گیری با هدف منفعت شخصی و نه تولید ثروت جمعی، بدل کرده و آن را دچار استحاله می‌کند. با توجه به پژوهش‌های بسیار در خصوص شکست پروژه‌های توسعه روستایی در کشور (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۴؛ خسروبیگی برچلوبی و جوان، ۱۳۹۳: ۱۶؛ قوام‌ملکی، ۱۳۹۶: ۱۱۹؛ وثوقی و ایمانی، ۱۳۸۹)، تأکید و تمرکز بر پروژه توسعه‌ای کارآفرینی روستایی به شکل کنونی، آن را به فهرست پروژه‌های شکست‌خورده خواهد افزود. لذا در این آخرین بخش مقاله مسیرهای ذیل در دو سطح محلی و ملی، و دو گونه نظری و عملی از سویی، و اصلاح‌طلبانه و بنیادین از دیگر سو، جهت اصلاح گفتمان و رویه‌های کارآفرینی روستایی کنونی پیشنهاد می‌شود:

۱. بازاندیشی افکار شومپیتر و ارزیابی مجدد از آن‌ها. مثلاً استفاده از مفهوم شومپیتری «مقاومت در برابر کارآفرینی» در تحلیل جامعه‌شناختی از کارآفرینی روستایی (نظری، ملی، اصلاح‌طلبانه).
۲. تحلیل دوگانه‌هایی همچون فردی/اجتماعی، و تعادل/نوآوری در بحث از اقتصاد سیاسی کارآفرینی (روستایی) (نظری، ملی، اصلاح‌طلبانه).
۳. اصلاح محیط کسب‌وکار، هم‌زمان با نظارت بیشتر و دقیق‌تر بر سازوکارهای وام‌دهی (عملی، محلی، اصلاح‌طلبانه).
۴. تأکید بر کارآفرینی گروهی و نه فردی (عملی، محلی، اصلاح‌طلبانه).
۵. تحلیل طبقاتی از کارآفرینان روستایی (نظری، محلی-ملی، اصلاح‌طلبانه)
۶. آموزش در خصوص شیوه‌های نوین بازاریابی به کارآفرینان (عملی، محلی، اصلاح‌طلبانه).
۷. نگاه به کارآفرینی روستایی همچون یک گفتمان، و شالوده‌شکنی از آن. به‌عنوان مثال تحلیل مفهوم بنیادین «فرصت» و تمرکز بر آن به‌جای تمرکز بر مفهوم و راهبرد «اشتغال‌زایی» (نظری، محلی، بنیادین).
۸. تحلیل انتقادی از کارآفرینی روستایی همچون یک پروژه دولتی توسعه‌ای، کنار نهادن آن، و بازگشت به گفتمان و رویه توسعه روستایی کلاسیک با اهدافی همچون ریشه‌کنی فقر، بیکاری و نابرابری (نظری-عملی، محلی، بنیادین).
۹. مبارزه پیگیر، گسترده، و همه‌جانبه با فساد اداری، با هدف جایگزینی پروژه دولتی و متناقض توسعه کارآفرینی روستایی، با گفتمان و پروژه دولتی کشاورزی چند کارکردی (نظری-عملی، محلی، بنیادین).
۱۰. اقدامات نهادی در خصوص ایجاد و بازتولید هویت روستایی مبتنی بر جنبش‌های روستایی خودجوش و خودگردان (عملی، ملی، بنیادین).

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۸۴). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جمشیدها، غلامرضا و نوذری، حمزه (۱۳۹۳). تحولات معنای توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران: از طرد توسعه تا معنابخشی‌های متفاوت به آن. *توسعه روستایی*، ۱، ۲۵-۴۸.
- خسروی‌بیگی برچلویی، رضا، و جوان، جعفر (۱۳۹۳). گفتمان نوسازی و واگرایی سیاست‌های توسعه و بهره‌برداری‌های کشاورزی تأملی بر بازساخت مفهوم روستابودگی در فرایند برنامه‌های توسعه در ایران. *پژوهش‌های روستایی*، ۶(۱)، ۱-۲۶.
- دلاوری، ابوالفضل (۱۳۸۸). *وجوه تاریخی توسعه*. کتاب ماه، شماره ۱۳۸، ۱۴-۱۹.
- شهرکی، حسن، موحدی، رضا، و یعقوبی فرانی، احمد (۱۳۹۵-الف). تحلیل انسان‌شناختی کارآفرینی روستایی در عصر جهانی‌شدن: مطالعه موردی استان همدان. *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۶(۱)، ۲۳-۴۳.
- شهرکی، حسن، موحدی، رضا، و یعقوبی فرانی، احمد (۱۳۹۵-ب). واکاوی مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی کارآفرینی روستایی: یک پژوهش کیفی. *توسعه کارآفرینی*، ۹(۴)، ۷۴۹-۷۶۷.
- شهرکی، حسن، (۱۳۹۶). کارآفرینی روستایی همچون یک پدیده زمینه‌مند: پژوهشی در جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه روستایی. *دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۶(۳)، ۶۵-۹۱.
- قوام‌ملکی، حمیدرضا، رویکردهای بین‌المللی و موانع سیاستی و راهبردی توسعه روستایی در ایران. *فصلنامه راهبرد سیاسی*، ۱(۳)، ۱۱۹-۱۴۱.
- کلانتری، خلیل؛ اسدی، علی؛ شعبانعلی فمی، حسین؛ و چوپچیان، شهلا (۱۳۸۶) چالش‌های عمده توسعه روستایی در ایران برای دستیابی به توسعه پایدار. *مجله جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد آشتیان*، ۸، ۱۰۳-۱۲۰.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *داده‌های تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن*.
- مفتخری، حسین (۱۳۸۸). *توسعه واقعی تاریخی*. کتاب ماه، شماره ۱۳۸، ۲-۷.
- نراقی، یوسف (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی و توسعه*. تهران: نشر فرزاد.
- وثوقی، منصور؛ ایمانی، علی (۱۳۸۹) آینده توسعه روستایی و چالش‌های پایداری. *توسعه روستایی*، ۲(۲)، ۲۳-۴۵.
- یورگنسن، ماریان، و فیلیپس، لوئیز (۱۳۹۵). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

- Bill, F., Bjerke, B. and Johansson, A.W. (Eds.). (2010). *(De) Mobilizing the entrepreneurship discourse*, Edward Elgar: UK, USA.
- Berglund, H. (2007). Researching Entrepreneurship as Lived Experience, in: Neegaard, H. & Ulhoi, J. P. (eds.) *Handbook of Qualitative Research Methods in Entrepreneurship*, pp. 75–93 (Cheltenham, UK: Edward Elgar).
- Charmaz, K. (2006). *Constructing grounded theory*, Sage publication, USA.
- Clarke, A.E. (2005-a). *Situational analysis: grounded theory after the postmodern turn*, sage: US.
- Clarke, A.E. (2005-b). *Situational analysis in practice: mapping research with grounded theory*, sage: US.
- Cope, J. (2003). Researching Entrepreneurship through Phenomenological Inquiry: Philosophical and Methodological Issues, *International Small Business Journal*, 23(2), 163-189
- Cornwall, A. (2010). Introductory overview – buzzwords and fuzzwords: deconstructing development discourse, In: *Deconstructing development discourse: buzzwords and fuzzwords*, Cornwall, A., Eade, D. (Eds.) UK: Practical Action Publishing.
- da Costa, A. D. S. M. & Silva Saraiva, L. (2012). Hegemonic Discourses on Entrepreneurship as an Ideological Mechanism for the Reproduction of Capital, *Organization*, 19, pp. 587–614.
- Dahmarde, Majid (2016). Assessment of drought damage of Hamoun wetland on health condition of inhabitants of Sistan region. *World Review of Science, Technology and Sust. Development* 12:335-52.
- Daugstad, K., Rønningen, K. & Skar, B. (2006). Agriculture as an Upholder of Cultural Heritage? Conceptualizations and Value Judgements: A Norwegian Perspective in International Context. *Journal of Rural Studies*, 22, pp. 67–81.
- Escobar, A. (1995). *Encountering development (The making and unmaking the third world)*. Princeton University Press, US.
- Escobar, A. (1997). 'Anthropology and development.' *International Social Science Journal*, 49(154), 497-515.
- Escobar, A. (2005). 'Imagining a post-development era.' In: Edelman, Mand Haugerud, A. (Eds.), *the Anthropology of Development and Globalization*. Blackwell Publishing. USA.
- Escobar, A. (2007). 'Post- development as concept and social practice', in Ziai, A. *Exploring post-development*, Routledge, UK, USA.
- Esteve, G., & Prakash, M. S. (1998). *Grassroots post-modernism: Remaking the soil of cultures*. Palgrave Macmillan.
- Ferguson, J. (2005). Anthropology and Its Evil Twin: 'Development' in the Constitution of a Discipline, in: Edelman, M. and Haugerud, A. (eds.). *The Anthropology of Development and Globalization*, Blackwell, USA.
- Fontana, Andrea (2001). Postmodern terms in interview. In Jaber, F. Gubrium & James, A. Holstein (eds.) *Handbook of interview research: Context and method*. London: Sage.
- Gardner, K. and Lewis, D. (1996). *Anthropology, development and the post-modern challenge*, Pluto Press: UK.
- Gee, Paul, & Handford, Michael (2012). Introduction. In Paul Gee & Michael Handford (eds.) *The Routledge handbook of discourse analysis*, 1-7. UK: Routledge.
- Goss, D. (2005) "Schumpeter's Legacy? Interaction and emotions in the sociology of entrepreneurship". *Entrepreneurship Theory and Practice*, 29(2), 205-218.
- Huttunen, S. (2012). Wood Energy Production, Sustainable Farming Livelihood and Multifunctionality in Finland, *Journal of Rural Studies*, 28, pp. 549–558.
- Irani, L. (2019). *Chasing Innovation: Making entrepreneurial citizens in modern India*, Princeton University Press: US.
- Jennings, P. L., Perren, L. & Carter, S. (2005). 'Guest Editors' Introduction: Alternative Perspectives on Entrepreneurship Research, *Entrepreneurship Theory and Practice*, 29(2), pp. 145–152.
- Jørgensen, M. and Phillips, L. (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*, Sage Publication, USA.
- Knudson, T., Swedberg, R. (2009). Capitalist Entrepreneurship: Making Profit through the Unmaking of Economic Orders, *Capitalism and Society*, 4(2), Article 3, DOI: 10.2202/1932-0213.1057.
- Licht, A. and Siegel, J.I. (2010). "The Social Dimensions of Entrepreneurship". *Interdisciplinary Center Herzliya*, Kanfe Nesharim St., Herzliya 46150, Israel.
- McElwee, G. (2005). *Developing Entrepreneurial Skills of Farmers* (Lincoln: University of Lincoln).
- Miri, Abbas, Moghaddamnia, Alireza, Pahlavanravi, Ahmed, & Panjehkeh, Naser (2010). Dust storm frequency after the 1999 drought in the Sistan region, Iran. *Clim Res* 41:83-90.
- Nicholson, Louise & Anderson, A. R. (2005). News and Nuances of the Entrepreneurial Myth and Metaphor: Linguistic Games in Entrepreneurial Sense-Making and Sense-Giving, *Entrepreneurship Theory and Practice*, 29(2), pp. 153–172.

- Ogbor, J. O. (2000). Mythicizing and Reification in Entrepreneurial Discourse: Ideology-Critique of Entrepreneurial Studies, *Journal of Management Studies*, 37(5), pp. 605-635.
- Shahraki, H, Movahedi, R, and Yaghoubi-Farani, A (2016). From Arturo Escobar's development theory to Antony Giddens's structuration theory: a social constructionist analysis of rural entrepreneurship and multifunctional agriculture, *Int. J. Agricultural Resources, Governance and Ecology*, Vol. 12, No. 4, 406-42.
- Shahraki, H. and Movahedi, R. (2017). Reconceptualizing Rural Entrepreneurship Discourse from a Social Constructionist Perspective: A Case Study from Iran, *Middle East Critique*, 26(1), 79-100.
- Shilling, S. (2012) *The body and social theory*, Sage, USA.
- Smelser, N.J. and Swedberg, R. (eds) (2005). *The handbook of economic sociology*, Princeton University Press, USA.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Inc.
- Strauss, A. (1978). A social world perspective, *Studies in Symbolic Interaction*, 1, 119-128.
- Swedberg, R. (2003) *Principles of Economic Sociology*, Princeton University Press: US.
- Venkataraman, S. & Shane, S. (2000). The Promise of Entrepreneurship as a Field of Research, *Academy of Management Review*, 25(1), pp. 217-226.
- Vesala, H. T. & Vesala, K. M. (2010). Entrepreneurs and Producers: Identities of Finnish farmers in 2001 and 2006, *Journal of Rural Studies*, 26, pp. 21-30.
- Www.irna.ir
- Www..Problematica.com
- Ziai, A. (2013). The Discourse of 'Development' and why the Concept should be Abandoned, *Development in Practice*, 23(1), pp. 123-136.
- Ziai, A. (2015). Post-Development: Premature Burials and Haunting Ghosts, *Development and Change*, 46(4), pp. 833-854.
- Ziai, A. (2015). Post-Development: Premature Burials and Haunting Ghosts, *Development and Change*, 46(4), pp. 833-854.